

۳۷۴

## فهم متن و پرسش‌های اساسی هرمنوتیک

دکتر عباس همایی<sup>۱</sup>



### چکیده:

هرمنوتیک (رمزگشایی) از یک متن رابطه‌ای مستقیم با عناصر ده گانه زمان و مکان پیدایش، پدیده‌های پیش و پس از متن، زمان و مکان مراد گوینده برای افاده، ذهنیت پدید آورنده، ذهنیت معاصرین، ذهنیت مخاطبین و ذهنیت سایر افراد دارد.

در این مساله افراط و تفریط‌های عجیبی به چشم می‌خورد که پذیرفتنی نیست و باید مجموعه عوامل موثر در فهم یک متن را یکجا در نظر گرفت و به تاویل آن پرداخت. برای فهم یک متن لایه‌هایی وجود دارد که ابتدایی‌ترین آنها، برای عموم موجود است و لایه‌های بعدی متناسب با شرایط مختلف حاصل می‌شود. کلید واژه: فهم متن، اراده گوینده، ذهنیت مخاطب، تأویل و هرمنوتیک.

مقدمه:

فهم یک پدیده - بخصوص یک متن و بالاخص متون دینی معلول عوامل مختلفی است و تفسیر جامع آن را باید مبتنی بر عناصر ده گانه زیر دانست:

- ۱- زمان پیدایش
- ۲- مکان پیدایش
- ۳- پدیده‌های مرتبط پیش از آن
- ۴- پدیده‌های مرتبط پس از آن
- ۵- زمان مراد پدید آورنده برای افاده معنی
- ۶- مکان مراد پدید آورنده برای افاده معنی
- ۷- ذهنیت پدید آورنده
- ۸- ذهنیت معاصرین پدید آورنده
- ۹- ذهنیت مخاطبین پدید آورنده
- ۱۰- ذهنیت سایر افراد

در حقیقت هر پدیده بوجود آمده توسط موجودی ذی شعور، می‌تواند به پنج شکل تفسیر و ارزیابی شود:

- الف - مطابق با ظاهر در زمان پیدایش
- ب - مطابق با ظاهر در زمان تفسیر
- ج - مطابق با مراد پدید آورنده
- د - غیر مطابق با مراد پدید آورنده و در عین حال غیر متضاد با مراد وی
- ه - متضاد با مراد پدید آورنده

هرمنوتیک که نگارنده، آن را رمزگشایی می‌نامد - به معانی مختلفی بکار رفته است که از آن معانی می‌توان به تأویل، ترجمه کردن به زبان خود و قابل فهم کردن و شرح دادن اشاره کرد (رک: پالمر، ۲۱: کربای، ۹).

رمزگشایی از یک متن گفتاری یا نوشتاری به عنوان بخشی از فهم بشری از پدیده‌ها، بیش از همه به نوع ذهنیت رمزگشا بستگی دارد و به قول ویلهلم دیلتای: فهم انسانها به معنی فهم کلام فرهنگی آنهاست و این تنها متون را در بر نمی‌گیرد. بلکه اشکال متنوع هنری و کنش‌ها (فرهنگ تاریخی به طور عام) را نیز شامل می‌شود (همو، ۱۱).

به عنوان مثال لبخند زو کوند اثر داوینچی را می‌توان به بی‌خیالی، خوشحالی و یا ناراحتی خاموش تفسیر کرد. این برداشتها می‌تواند در راستای اراده خالق اثر و یا حتی متضاد با آن باشد و برداشت مفسر اثر، بیش از آنچه با اراده اثر مرتبط باشد، به ذهنیت مفسر بستگی دارد.

ذهن انسان در جهت فهم یک مجهول، سیری به پیش فرض‌های خود دارد و متناسب با این پیش فرضها، تصورات و تصدیقات جدیدی برای خود فراهم می‌آورد:

والفکر حركة الى المبادي ومن مبادي الى المراد (سبزواری، ۲۳)

شاید تعبیر مشهور الطرق الى الله بعدد انفاس الخلائق ناظر به همین معنی باشد که هر کس در هر لحظه با تصور و تصدیق جدیدی نسبت به هستی با آن مواجه می‌شود و برداشتی جدید متناسب با پیش فرض‌های پیشین می‌یابد.

در حقیقت محور اصلی هرمنوتیک، این مسأله است که آیا:

الف- دلالت تابع اراده گوینده است، آنگونه که اندیشمندانی چون خواجه نصیر می‌گویند؟ (مظفر، ۲۰/۱)

ب- دلالت، تابع برداشت خواننده است؟

ج- دلالت، معلول برآیند دو مؤلفه اراده گوینده و فهم خواننده است؟

### ۱- فهم مخاطب و دور هرمنوتیک

اشلایر ماخر طرحی کلی درباره هرمنوتیک دارد که در این طرح، هرمنوتیک را به دو بخش دستوری و فنی تقسیم می‌کند. در هرمنوتیک دستوری، موضوع بحث زبان و معناشناسی خود متن است. ولی موضوع هرمنوتیک فنی، ذهنیت گوینده متن است. وی معتقد است: ما نویسنده‌ای متعلق به روزگاران گذشته را بهتر از خود وی می‌فهمیم. چرا که می‌توانیم او را در زمینه تاریخی گسترده

تری نسبت به گذشته بنگریم (کربای، ۱۰؛ نیز رک: مجتهد شبستری، ۱۷ - ۲۳) ماخر نظریه ای را به نام دور هرمنوتیک مطرح می‌کند و می‌گوید:

در یک پدیده، جزء در چارچوب کل فهمیده می‌شود و برعکس. مثلاً معنای یک واژه به اعتبار جمله ای که آن واژه، جزئی از آن است، فهمیده می‌شود و آن جمله نیز به اعتبار واژه‌های سازنده آن قابل فهم است (همانجا).

بر اساس این دیدگاه، ما باید نخست بدانیم که گوینده در چه زمانی و مکانی زندگی می‌کرده، با چه کسانی محشور بوده، فرهنگ خاص گویش در آن زمان چه شاخصه‌هایی داشته و اصولاً گوینده سخن، آن را برای زمان و مکان خود گفته یا سخن خویش را به عنوان میراثی برای آیندگان بر جای نهاده است؟

نگارنده، این بحث را به گونه ای دیگر مطرح می‌نماید و معتقد است که هر آیه مفهوم خاصی برای خود دارد که با توجه به آیات قبل و بعد از خود نیز معنی دیگری افاده می‌کند. همین آیه با عنایت به زمان، مکان و احیاناً واقعه ای که در عرف، شأن یا سبب نزول آیه نامیده می‌شود، نیز مفهومی در بر خواهد داشت (همامی، چهره زیبای قرآن).

## ۲- تناسب گویش قرآن با ذهنیت معاصرین

قرآن نیز در نحوه گویش خود، ذهنیت معاصرین - به عنوان مخاطب مستقیم رادر نظر می‌گیرد و متناسب با آن سخن می‌گوید. به عنوان مثال می‌توان به آیاتی از سوره الواقعة اشاره کرد:

افرایتم الماء الذي تشربون ، انتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون لو نشاء جعلناه اجاجا فلولاً تشكرون (الواقعة، ۶۸ - ۷۰).

در این آیات، محور بحث، آبی است که مخاطبین می‌نوشند، پس مخاطب عام است. یعنی در مورد نیاز به آب گوارا برای نوشیدن همه مشترک هستند. لذا هر کسی با این آیات رو به رو می‌شود - نسبت به موضوع که رابطه آب با انسان است - نوعی ذهنیت دارد. البته ذهنیت‌ها یکسان نیست، یعنی تلقی کسی که به وفور آب در اختیار دارد با عرب ساکن در صحرای عربستان و معاصر با پیامبر اسلام (ص) - که مخاطب مستقیم و اولیه قرآن است - یکی نیست.

در همین مجموعه آیات، نخست سخن از تولید مثل است که به وسیله آب نطفه انجام می‌گیرد: افرایتم ما تمنون (الواقعة، ۵۸) و باز بحث از کاشت گیاه است که آبی نیاز دارد که مایه حیات موجودات زنده (اعم از گیاه، انسان و...) است: وجعلنا من الماء کل شیء حی (الأنبیاء، ۳۰) پس از آن، آتش مطرح می‌شود که وسیله عادی افروختن آن، چوب همین گیاه است که برای افروختن باید همان آب را از دست بدهد: افرایتم ما تحرثون، انتم تزرعونه ام نحن الزارعون لو نشاء لجعلناه حطابا... افرایتم الماء الذی تشربون، انتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون... افرایتم النار الی توروں، انتم انشאתم شجرتها ام نحن المنشئون (الواقعة، ۶۳-۷۷). یعنی بحث از آب مطرح می‌شود: افرایتم ما تمنون و باز سخن از آب به میان می‌آید که این سخن در میان بحث از دو گیاه قرار می‌گیرد: یکی گیاهی که برای حیات خود به آب نیاز دارد و دیگری گیاهی که برای افروخته شدن باید آب از دست بدهد. در همین آیات تضاد آب و آتش و نیز خلق انسان و گیاه (حیوان و نبات) در خور توجه است و برداشت هر کس به معلومات تصویری و تصدیقی - یعنی پیش فرض های - وی بستگی دارد.

### ۳- تأثیر تفسیرهای قبل و بعد در تفسیر متن

همانگونه که اشاره شد، پدیده های پیش و پس از یک پدیده، و در مورد یک متن، تفسیرهای پیش و پس از آن - نقشی به سزا در فهم مفسر دارد. به عنوان نمونه می‌توان به داستان پسران آدم (ع) اشاره داشت:

واتل علیهم نبأ ابنی ادم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک ... من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً (المائدة، ۲۷-۳۲) که تورات (برای آگاهی بیشتر رک: همامی، مقایسه داستان پدران آدم «ع» در سفر پیدایش با قرآن) به عنوان متن پیش از آن باید بررسی شود: و خدا هابیل و هدیه او را منظور داشت، اما قائن و هدیه او را منظور نداشت، پس خشم قائن به شدت افروخته شده (کتاب مقدس، پیدایش، چهارم) می‌بینیم که در خود داستان تورات، حکمی که قرآن آن را

مکتوب بر بنی اسرائیل می‌شمرد کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفسا نیامده است ولی در بخشی دیگر، از قتل منع شده است. مثلاً: هر که خون انسان را ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود، زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت (همان، نهم) و یا: قتل مکن (خروج، بیستم). نیز برای برداشت بهتر از این متن، می‌توان اسطوره اوزیریس، ایزیس و ست (از اساطیر مصر قدیم) را در نظر گرفت (الناس، ۵۲-۵۴).

همچنین نوع تفسیرهای موجود از داستان پسران آدم (ع) می‌تواند در برداشت جامع‌تر از این متن موثر باشد، مثلاً:

گر بدی این فهم مر قایل را کی نهادی بر سر او هابیل را

که کجا غایب کنم این کشته را این به خون و خاک در آغشته را (مولوی، ۱۳۰۲/۴ و ۱۳۰۳)

همچنان دور دوم هابیل شد ضد نور پاک او قایل شد (مهر، ۲۱۵۷/۶)

اولین خون در جهان ظلم و داد از کف قایل بهر زن فتاد (مهر، ۴۴۷۱/۶)

نمونه دیگر داستان نوح (ع) است: و اوحی الی نوح انه لن یومن من قومک الا من قد آمن فلا تبس بما کانوا یفعلون واصنع الفلک بأعیننا ووحینا ولا تخاطبنی فی الذین ظلموا انهم مغرورون (هود، ۳۶ و ۳۷)

در مورد نوح (ع) که در بیست و هشت سوره قرآن و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته، (یونس، ۷۱-۷۳؛ المؤمنون، ۲۳-۳۱؛ الصافات، ۷۵-۸۲؛ نوح ۱-۲۸ و...) تورات نیز سخن گفته است: و خدا به نوح گفت: انتهای تمامی بشر به حضورم رسیده است، زیرا که زمین به سبب ایشان پر از ظلم شده است و اینکه من ایشان را با زمین هلاک خواهم ساخت (کتاب مقدس، پیدایش، ششم تا نهم). قابل توجه اینکه قرآن عمر نوح (ع) را صریحاً مطرح نمی‌کند، ولی درنگ او در میان قومش را نهصد و پنجاه سال می‌شمرد: فلبث فیهم الف سنة الا خمسين عاماً (العنکبوت، ۱۴) و تورات می‌گوید: و نوح پس از طوفان سیصد و پنجاه سال زندگی کرد، پس جمله ایام نوح نهصد و پنجاه سال بود که مرد (پیدایش، نهم: ۲۸ و ۲۹). داستان طوفان نوح (ع) به گونه‌ای متفاوت و تحت عنوان خشم خدایان و آگاهی فردی به نام اوتنایش تیم از این خشم در

اساطیر بابل قدیم آمده است (الناس، ۷۰-۷۲). تفسیرهای بعدی از طوفان نوح (ع) نیز می‌تواند ما را به برداشتی جامع تر از این متن رهنمون سازد. مثلاً:

دم مزن تا دم زند بهر تو روح آشنا بگذار در کشتی نوح (مولوی، ۱۳۰۷/۳)

آشنا هیچ است اندر بحر روح نیست اینجا چاره جز کشتی نوح (همو، ۳۵۷/۴)

که اشاره به آیات: قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین و اهلک (هود، ۴۰) و: قال لا عاصم الیوم من امر الله الا من رحم (هود، ۴۳) دارد.

بحث مذکور مبتنی بر مدلول ظاهری متن بوده و اصولاً بحث دیگری نیز مطرح است که ی متن تا چه اندازه با اراده گوینده و چه مقدار بدون اراده وی می‌تواند مفاهیم تأویلی (و برخلاف ظاهر) داشته باشد.

#### ۴- مفاهیم تأویلی و تفاوت زبان گویشی

زبان گویش متون مختلف، بر اساس چهار عامل تفاوت می‌یابد:

- ۱- عام یا خاص بودن مخاطب و ویژگی های وی.
- ۲- مقدار زمان در نظر گرفته شده برای افاده متن.
- ۳- اهمیت داشتن یا نداشتن خود الفاظ (افزون بر معانی).
- ۴- زمان و مکان خاص گویش.

#### الف- ویژگی های شخص مخاطب

طبیعی است که بر اساس میزان اطلاعات و نوع نگرش و نیز بر اساس عام بودن یا نبودن مخاطب، زبان گویش تفاوت یابد.

به عنوان مثال دو دعا که هر دو منسوب به علی (ع) است، در نظر گرفته می‌شود: دعای کمیل و دعای صباح.

در دعای صباح، سیاق عبارات، سیاق عاشقانه ای که در دعای کمیل وجود دارد نیست و برعکس در دعای کمیل، صناعات بلاغی بدان اندازه که در دعای صباح وجود دارد، به چشم نمی‌خورد. یعنی تعبیری چون: صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک (قمی، ۱۱۸) و: لئن جمعت بینی و بین اهل بلاءک لأضجنّ الیک ضجیح الاملین و لا صرخن الیک صراخ المستصرخین و لا بکین



علیک بکاء الفاقدين (همانجا) که در دعای کامل وجود دارد، به هیچ عنوان در دعای صباح موجود نیست و در عوض عباراتی با صناعات بلاغی متعدد و لطیف به چشم می‌خورد: **الهی اترانی ما اتیک الامن حیث الامال ام علق باطراف حبالک الا حین باعدتی ذنوبی عن دال الوصال فبئس المظیة التي امتطت نفسی من هواها (همو، ۱۱۰)**. این تفاوت در دو دعای منسوب به یک نفر را می‌توان چنین توجیه کرد که فهم کسانی که این دعاها به آنها تعلیم داده شده است، یکسان نبوده و حتی در مقام دعا، این فهم موضوعیت دارد.<sup>۱</sup>

تعبیر: **و ما یعلم تاویلہ الا الله و الراسخون فی العلم (آل عمران، ۷)** که نشانگر توجه قرآن به تأثیر فهم مخاطبین در تأویل تشابهات دارد و روایاتی که اهل بیت (ع) را راسخان عالم به تأویل معرفی می‌کند (بحرانی، ۲۷۰/۱ و ۲۷۱) و عباراتی چون: **لنجعلها لکم تذکرة و تعیها اذن واعیة (الحاقه، ۱۲)** همگی بر اهمیت ذهنیت مخاطبین دلالت دارد.

ب- مقدار زمان در نظر گرفته شده برای افاده متن

اصولاً باید این فرض را پذیرفت که هر متنی را، گوینده برای افاده در تمام زمان‌ها در نظر نگرفته است. متون دینی نیز از این مسأله مستثنی نیست و به دلیل آمدن کتاب جدید، متون دینی گذشته، بخشی از اهمیت خود را - که در ناحیه تشریح وجود داشت - حداقل در مواردی از دست می‌داد و یا کم رنگ می‌یافت. قرآن به دلیل ختم نبوت و اینکه ناسخ است و منسوخ نیست، از این قاعده، مستثنی است و باید به گونه‌ای دیگر بررسی شود.

ج - میزان اهمیت الفاظ (افزون بر معانی)

هر متنی که در صدد بیان معانی متعدد و گاه ظاهراً متضاد با یکدیگر باشد، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و باید دارای الفاظی باشد که قابلیت حل بر معانی مختلف را داشته باشد و تعبیری چون: **ان للقران بظنا و للبطن بظنا الی سبعة ابطن (محمدی ری شهری، ۴۸، ۳۶/۱۰)** به این قابلیت اشاره دارد. از سوی دیگر چون مخاطب قرآن و عام است و مختص به زمان و مکان خاصی نیست: **یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً (الأعراف، ۱۵۸)** و **ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (الانبیاء، ۱۰۷)** باید زبانی قابل فهم برای همگان داشته باشد: **ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر (القمر، ۱۷)**.

۱- این مسأله را با فرض انتساب هر دو دعا، می‌توان ناشی از حالات مختلف گوینده نیز دانست.



صحیفه مبین، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش ۱۰۱

یعنی چون رسول اکرم (ص) برای همگان آمده است، باید لایه ای ساده از فهم قرآن برای همه اعصار باشد. چرا رسول همه اقوام معاصر و پس از خود است و باید فرهنگ قوم خود و در این مورد همه مردم را بشناسد و بدان سخن گوید که این یکی از سنن الهی است: وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لِيُبَيِّنَ لَهُمْ (ابراهیم، ۴). نه تنها زبان معاصرین و آیندگان، بلکه فرهنگ گذشتگان: یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین من قبلکم (النساء، ۲۶)

#### د- زمان و مکان خاص گویش

زمان و مکان خاص گویش، اگرچه درباره قرآن که خود را جهان شمول معرفی می کند، از جهتی اهمیت کمتری دارد، با توجه به نیاز بشر به دانستن فلسفه تشریح احکام و نیز نیاز وی به شناخت عوامل موثر در بیان مفاهیم، اهمیت به سزایی دارد. به عنوان مثال با توجه به سبب نزول آیه: و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع (النساء، ۳) است که ارتباط میان آن خفتم با فانکحوا مشخص می شود.

نیز توجه به وضعیت فرهنگی حاکم بر زمان و مکان گویش بسیار اهمیت دارد و قرآن نیز با ظرافت آن را مطرح می کند: هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم (الجمعة، ۲) و: لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریرص علیکم (التوبة، ۱۲۸).

#### ۵- انحصار تأویل یا عدم انحصار آن

اختصاص برداشت از تورات به دانشمندان یهود و اعتقاد کلیسای کاتولیک به اینکه تفسیر کتاب مقدس منحصر در اختیار این کلیسا است، مبین این اختلاف تاریخی است که آیا تأویل متون به خصوص متون مذهبی و بالأخص متون منتسب به خدا یا خدایان - در اختیار گروهی خاص است یا برای همگان امکان دارد؟ در اسلام نیز این بحث پیشینه ای تاریخی دارد. اختلاف مفسران در مورد عاطفه بودن یا نبودن او در آیه: و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم (آل عمران، ۷) نشانگر دو نگاه متفاوت به این مسأله است.

نگارنده بر این باور است که فهم لایه اولیه عبارات قرآنی بجز در مورد متشابهات، همگانی است و نیاز به مقدمات و مؤخرات ندارد. یعنی همانگونه که خدا نزدیک است و پاسخ عباد را می دهد:

فهم متن و پرسش‌های اساسی هرمنوتیک

و اذا سالک عبادي عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان (البقرة، ۱۸۶) قرآن نیز نخستین نیازهای فکری همه مخاطبین خود را برآورده می‌کند و بدین لحاظ به قرائت آنچه از آن میسر است فرمان می‌دهد: (فاقرءوا ما تيسر من القرآن... فاقراءوا ما تيسر منه) (المزمل، ۲۰). در عین حال فهم متشابه را برای همگان ممکن نمی‌داند و عموم - نه خواص - را از تأویل آن نهی می‌کند: فاما الذين فى قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاويله و ما يعلم تاويله الا الله و الراسخون فى العلم (آل عمران، ۷).

برای نمونه، بیتی مرتبط با مفاهیم قرآنی مطرح و لایه‌های مختلف فهم آن بیان می‌شود:

مریم پاک به محراب سجود مرتزق از سفره ناب وجود (همامی، مس عشق، ۱۵)

لایه اول فهم این بیت که عموم فارسی‌زبانان در آن سهیم هستند، پاک بودن مریم (ع) و روزی گرفتن از حضرت باری و نیز عبادت کردن وی است.

لایه دوم برای آشنایان با این آیه قرآن است که: كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مریم انى لك هذا قالت هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب (آل عمران، ۳۷). لایه سوم تطبیق بخش‌های این بیت با آیات مختلف است. پاک: واذ قالت الملكة يا مریم ان الله اصطفىک و طهرک (آل عمران، ۴۲). محراب: كلما دخل عليه زكريا المحراب (آل عمران، ۳۷). سجود: يا مریم اقتني لربک و اسجدي (آل عمران، ۴۳). مرتزق: وجد عندها رزقا (آل عمران، ۳۷) و وهزي اليک بجذع النخلة تساقط عليك رطباً جنيا فكلی (مریم، ۲۵ و ۲۶) و سایر موارد تطبیق بیت با آیات.

لایه چهارم برداشت این مطلب از بیت است که وجود عیسی (ع) روزی خدا به مریم (ع) و مائده<sup>۱</sup> آسمانی، روزی خدا به هر دو و حواریان بود:

قال انما انا رسول ربک لاهب لک غلاما زکيا (مریم، ۱۹). قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا و اخرنا و اية منک و ارزقنا و انت خير الرازقين (المائدة، ۱۱۴).<sup>۱</sup> توجه به اینکه عیسی (ع) خودآیتی برای مردم است: ولنجعله اية للناس (مریم، ۲۱) و این مائده نیز آیتی از خدا برای مردم است و اية منک (المائدة، ۱۱۴).

۱- ربنا انزل علينا مائدة بددعا و عشق تو شد فائده (همامی، مس عشق، ۲۱)

صحیفه مبین، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش **۱۰۳**

برای بیت مذکور، تفاسیر و فهم‌های دیگری نیز وجود دارد که این مقال را مجال نیست. یعنی درباره یک بیت از انسانی عادی می‌توان تفاسیر و برداشت‌های مختلفی داشت و این طبیعی است که فهم متون مذهبی - و بالاخص متون منتسب به خدا، یا خدایان - لایه‌های متعدد و در برخی از موارد متضاد با یکدیگر داشته باشد.

### ۵- افراط و تفریط در برخورد با تأویل

در بحث از تأویل و هرمنوتیک (رمزگشایی)، افراط و تفریط عجیبی به چشم می‌خورد. از یکسو تفریطی چون نظریات ظاهریه وجود دارد که جمودی عجیب بر بسندگی ظاهر الفاظ دارند و افراطی چون دیدگاه باطنیه مشاهده می‌شود که در نصوص هم، معنی ظاهری را واقعی نمی‌نهند (رک: سبحانی، ج ۳ و ۸؛ ذهبی، ج ۲ و ۳).

در مباحث هرمنوتیک معاصر نیز دیدگاه‌های عجیبی وجود دارد. برخی از وارثان اندیشه ديلتای، توجه خود را بجای مؤلف و مفهوم مسأله ساز نیت مؤلف، بر خود متن و تجربه خواندن معطوف ساختند. اینها معتقد بودند که اگر مؤلف یک متن کاملاً ناشناخته باشد، می‌توان آن متن را خواند. حتی برای خوانش مؤلف از متن خود نیز نباید امتیازی قائل شد. مهم ذهنیت خواننده است نه ذهنیت مؤلف (کربای، ۱۱).

این دیدگاه از چند جنبه قابل بررسی و نقد است:

نخست آنکه چنانچه خوانش گوینده از متن خود امتیازی نداشته باشد، میان متنی که یک کامپیوتر تصادفاً تایپ می‌کند با متنی که گوینده‌ای با شعور (و دارای هدفی خاص) مطرح می‌نماید، تفاوتی وجود نخواهد داشت. آیا متنی که به صرف تصادف و بدون هیچ گونه آگاهی و مجرد از هرگونه اراده و با چینی بی هدف تنظیم شده است، قابل بررسی است و ارزش نگرش دارد و آیا دلیلی برای صرف وقت دارد؟

دوم اینکه اصولاً خواننده متن، چه چیزی را می‌خواند و چه ذهنیت جدیدی باید بیابد؟ آنچه سابقاً می‌دانسته یا آنچه متن درصدد بیان آن است؟ آنچه در سابق می‌دانسته که ذهنیت جدیدی نمی‌طلبد و آنچه متنی مجرد از ذهن گوینده (یعنی کاملاً منتزع از اراده‌ای جدی و هدفدار) مطرح می‌کند،

چیزی نیست که بتواند ذهنیت جدیدی تصدیقی و قابل بررسی ارائه دهد. سوم اینکه چنانچه خواننده متن نتواند مولفه‌های لازم را برای ایجاد مفهومی قابل اعتنا در ذهن خود سامان دهد، تکلیف چیست؟ آیا نمی‌توان و نمی‌باید از گوینده یاری خواست؟

### نتیجه

برای فهم مطلوب از یک متن، باید هر دو جنبه یعنی ذهنیت گوینده و ذهنیت خواننده را به عنوان بخشی از عناصر ده گانه لازم برای فهم در نظر گرفت. افراط و تفریط در نگرش به تأویل و حذف یکی از دو مولفه اراده گوینده و ذهنیت خواننده از اشتباهاتی است که متأسفانه نتیجه‌ای جز دوری از تفسیر جامع یک متن ندارد.

### پیشنهاد برای ادامه پژوهش

۱- بررسی حدود مجاز تأویل از دید متولیان رسمی ادیان مختلف. ۲- طبقه‌بندی لایه‌های فهم از متون مختلف.

۳- بررسی لحاظ یا عدم لحاظ شرایط خاص برای تأویل شونده و تأویل کننده.

### منابع

علاوه بر قرآن کریم:

- ۱- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ۲- ذهبی، محمدحسین، التفسیر المفسرون، افسس بی جا و بی تا.
- ۳- سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، ۱۳۷۱ش.
- ۴- سبزواری، ملا هادی، شرح منظومه، تهران، ۱۴۰۳ق.
- ۵- کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران، تهران، ۱۹۸۷م.
- ۶- کربابی، آنتونی، درآمدی بر هرمنوتیک (مندرج در کتاب هرمنوتیک مدرن)، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۷- مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک، کتاب و سنت، تهران، ۱۳۷۸ش.
- ۸- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ۱۳۶۵ش.
- ۹- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
- ۱۰- مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، به کوشش نیکلسون، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ۱۱- ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۱۲- همامی، عباس، چهره زیبای قرآن (پژوهشی پیرامون تناسب آیات)، اصفهان، ۱۳۷۵ش.
- ۱۳- همو، مس عشق، اصفهان، ۱۳۷۸ش.
- ۱۴- همو، مقاله تفسیریه رأی جایز و شرایط و مراحل آن، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ش.